

ادامه از صفحه اول

### زندگ خطر بد رفتاری اجتماعی

… از تصور و تصدیق‌های اجتماعی رفتارهای اجتماعی شکل می‌گیرند. یک اعتراض اجتماعی نه به درستی انجام می‌شود و نه به درستی پاسخ داده می‌شود و نه حقیقتا مهار می‌شود که هر دو خشونت افراطی می‌یابند! این میوه آفت‌زده در باغ ما، ناشی از چیست؟ چرا انواع اسباب تعلیم و تربیت ما جواب مناسب ن داده است؟ آیا درصد این آفت‌ها به جمعیت ارزیابی شده است؟! طبیعی است که انحراف فرهنگی و اعتقادی در میان مردم، در سیاست و اقتصاد در حد درخور توجهی به سطوح بالا سرایت کند. دیده‌ایم که به‌راحتی در مقابل مردم در سیمایم دروغ می‌گفتند. به دیگران نسبت اسراف بیت‌المال می‌دادند، اما خودشان با جمعیت حدود ۲۰۰ نفری با خانواده به آمریکا جهت شرکت در اجلاس سازمان ملل می‌رفتند، به تفریح و تفرح می‌رفتند و هزینه‌های بالایی بر بیت‌المال بار می‌کردند! وعده‌های دروغ در باب مسکن، بی‌کاری و تورم می‌دادند که در مدت کوتاهی مشکلات را حل خواهند کرد و به صورت افراطی در تریبون‌ها حمایت نیز می‌شدند! همان زمان یکی از علمای بزرگوار تذکر دادند که در اسلام اجازه نداریم به گوسفند علف نشان دهیم و او را به مسیری بکشانیم، اما ندھیم بخورد! چه رسد به انسان! این رفتار از ما چرا ساطع شده است و می‌شود؟! ببینیم در آستانه انقلاب و در ابتدای پیروزی و در طول حیات آن تاکنون چه گفتیم و ادعا کردیم، اما چگونه رفتار کردیم؟! مثلا در باب مردم‌سالاری، درخصوص عدالت اجتماعی و… اخلاق که در میان بزرگان رعایت نشود، در میان کودکان و مردم نیز به طریق اولی رعایت نمی‌شود. گفتیم مردم ولی نعمت ما هستند، اما نمی‌توانند نسبت به خطاهای ما اعتراض مؤثر کنند؛ مثلا درباره رشد بهای بزینه اعتراض کنند! مردم را نباید برای رای‌دادن در انتخابات شمارش کرد و بعد کنار گذاشت. قانون اساسی، قواعد اجتماعی، آیین و اخلاق نظری خوبی داریم، اما نوع عمل به مفاد آنها در میان ما مهجور و مغفول است. جمعیت را زیاد کنیم، اما توانیم تربیت کنیم، توانیم شغل مفید دهیم. چنانچه به معتقدان، دزدان و به طور کلی بزه‌کاران اضافه کنیم، آیا به منابع انسانی افزودیم؟! می‌دانید چه اندازه معتاد داریم؟ می‌گویند حدود سه میلیون حرفه‌ای و همین مقدار گفتنی! در واقع همه خانوارهای ایرانی به‌طور متوسط وابسته معتاد دارند و به نوعی درگیرند؛ می‌دانید چه اندازه پرنده قضائی که گویای ناپهنجاری‌هاست، هرساله در جامعه جاری می‌شود؟! چند سال پیش گفتند در یک سال ۱۷ میلیون را رسیدگی کرده‌اند! جامعه با این‌همه تعارضات به ناکجاآباد مسیر خواهد گشت. می‌دانیم منابع انسانی عامل توسعه هستند، آیا با این وضعیت می‌توان مسیر توسعه‌یافتگی را طی کرد؟! با محافل به‌ظاهر علمی، با مصلمان، محصلان و دانش‌جوین مظاهر به علم نمی‌توان رشد کرد. بسا بد اخلاقی و رفتارهای ناپسند نمی‌توان جامعه را ساخت، مطالعات علمی نشان می‌دهد امروزه نقش فناوری و علم در توسعه و رشد جوامع، بیش از ۷۰ درصد است. نباید نقش نیروی محرکه را فقط به تعداد محدودی از مدارس و دانشگاه‌ها داد. این جمعیت محدود در جمعیت نابالغ غالب، تحلیل می‌رود و حاصل کارش ناپاود می‌شود. فرهیختگان محیط زیست به سکانی که آنها را درک کنند، کلام آنها را بفهمند و همکاری کنند، نیاز دارند. فرهنگ رفتاری ما بر سیاست، دینداری و… فرضا در حوزه اقتصاد انگ‌دار است، بر شیوه تولید، حتی تولیدنکردن یا دلالتی کردن، بر پس اندازکردن یا مصرف تجملی داشتن، دنبال ابتکار و نوآوری بودن یا کار تکراری کردن و سود متقاضی‌بردن و… ریز راه‌پله تولیدکردن و تقلب‌کردن، در انباری مواد خوراکی مثل روغن سمی به خورد مردم دان! حدود صد خودرو تصادف طولی شدید می‌کند و جمعیتی دچار تلفات و جراحات شدید می‌شوند و خودروهای تولید داخل جعبه محافظ هوایش عمل نمی‌کند، پاسخ‌گویی نیز وجود ندارد و تیبیه نیز مشاهده نمی‌شود. این بدرفتاری‌ها متأسفانه عادی و پدیده‌ای رایج شده است! فرهنگ و سیاست، فرهنگ و اقتصاد، فرهنگ و دینداری و… امروز از شاخه‌های مهم مطالعاتی شده‌اند. چرا برای سیاست‌گذاری و درمان به این مطالعات نمی‌پردازیم؟! چرا برخی مسئولان که باید در جامعه دینی الگو باشند، خود تعارض رفتاری دارند و اسوه حسنت نیستند؟! ویژه‌خواری (رانت‌خواری) و راه ۲۰ ساله را سه‌ساله رفتن، همان فرهنگ راهزنی سرگردنه است که به ارت رسیده و تا به امروز گرفتارش هستیم و نتوانسته‌ایم اصلاح فرهنگی فراگیر داشته باشیم. فرهنگ ایثار، فرهنگ زحمت و خلاقیت، نباید تحت‌الشعاع فرهنگ انحرافی قرار گیرد. شهید مطهری در کتاب حق و باطل می‌فرماید باطل خود را به شکل حق درمی‌آورد، مثل پول جعلی، تا به هدفش برسد! امروز عده‌ای چنانما آب می‌کشند، تظاهر به مظاهر دین و انقلاب می‌کنند، سپس تصدی امور را با ریزینی، وعده هماهنگ‌بودن می‌دهند و هزینه‌کردن‌ها به دست می‌گیرند و بعد آن کار دیگری می‌کنند! این فرهنگ رفتاری ناپهنجار است که جوامع درحال‌توسعه را بیشتر به عقب می‌راند، چون سرمایه‌های خوب انسانی را به حاشیه می‌کشاند و نوع ضعیف را به خدمت می‌گیرد که اصلاح و تغییر ایجاد نمی‌کند و از رفتار نامطلوب تبعیت می‌کند، این دست افراد، آدم‌های بزرگ -از نظر فکری- دور خود نمی‌آورند تا صندلی خود را به مخاطره نیندازند و تحت‌الشعاع توانایی آنها قرار نگیرند، در نتیجه شاهد پیشرفت مورد انتظار نیستیم، مدیریتوری نیز نداریم و با قحط‌الرجال مواجه می‌شویم.

ادامه در صفحه ۹

امیرحسین جعفری؛ یادش بخیر

دوره ارزان‌ی و فراوانی بود، پنج شاهی می‌دادی هفت تا تخم‌مرغ می‌گرفتی! روغن سسیری سه شاهی بود با صد دینار یک نان سنگک برشته خشخاشمی می‌دادند، به درازی آدم توی «سرتخت بربری‌ها» یک خانه بیرونی و اندرونی ماهی ۱۵ زار و سه شاهی پول کرایه می‌گرفت (توپ مروارید- صادق هدایت ۱۳۲۶).

نوشته بالا، مکالمه‌ای روزمره

میان دو شهروند تهرانی در دوران پس از قاجار است که با وجود برخی تحولات در سال‌ها بعد کماکان ارزش‌های سیاسی حکمرانی را در قیمت تخم‌مرغ و روغن ارزیابی می‌کنند و خواهان بازگشت به دوران قاجار هستند. این مسئله برای نسل ما نیز بسیار آشناست و در کوچه و خیابان با شهروندانی برخورد کرده‌ایم که تفاوت قیمت گوشت و مرغ و خانه و ماشین را با حداقل ۲۵ سال پیش از خود و در قالب حکومت پهلوی مقایسه می‌کنند و در آخر به این نتیجه می‌رسند که خدا فلاکی را بیامرزد! چرا؟ چون ماشین ارزان‌تر بود و در این لحظه آن فرد بدون درنظرگیری تمامی پیشینه‌میلزاتی و تاریخی یک ملت، حکمی کوچک‌بازاری صادر می‌کند.

بخش دیگری از شهروندان نیز این مقایسه را با توجه به مدرن‌شدن صنعت و ورود تکنولوژی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ارزیابی می‌کنند که عمده این ادعا نیز بر اساس شنیده‌های خانوادگی و خیابانی است؛ درحالی‌که اگر این مؤلفه غلط را عامل مقایسه در نظر بگیریم، نمونه‌های متناقض تاریخی نیز برای آن وجود دارد. به‌عنوان مثال تلفن، تلگراف، اتومبیل، ماشین چاپ، سینما، دستگاه ضبط صدا، مولد برق و… همه در زمان حکومت قاجار وارد ایران شده‌اند، اما آیا می‌توان در قضاوت تاریخی گفت قاجاربه سلسله خوب، مدرن و مورد حمایت مردم بوده است؟ مسئله اینجااست که ورود تکنولوژی و به طور کلی دستاوردهای علمی بشری به کشورهای مختلف چندان هم به نوع حکومت‌های آنها ارتباط ندارد و حکومت‌ها صرفا در دو قالب تسهیلگر و محدودگر در این زمینه کارکرد دارند؛ در نتیجه نمی‌توان امروزه نیز این ادعا را کرد که ورود اینترنت و تلفن همراه هوشمند یک افتخار ملی و مختص یک دولت یا حکومت است، بلکه ورود این فصل تکنولوژی یک اتفاق طبیعی در هر جامعه‌ای است؛ اما پس از ورود آن دولت‌ها می‌توانند نقش خود را بازی کنند. کشوری مانند کره‌شمالی اینترنت را محدود

می‌کند، کشوری نیز مانند آلمان به رشد کیفیت آن کمک می‌کند؛ اما در هر دو کشور با وجود همه تضادها اینترنت وجود دارد! حالا برگردیم به پیش از انقلاب؛ ورود صنایع ماشین‌سازی و دیگر صنایع در کشور و هرگونه دستکاه و تجهیزات مدرن در بز زندگی مردم رخنه کرده باشد، مانند تلویزیون، عامل سنجش کیفیت میان دو حکومت نیست و حکومت‌ها نیز به نسبت شرایطشان نیازمند این تکنولوژی هستند، وگرنه اهمیت ورود مولدهای برق توسط ناصرالدین‌شاه مسلما امر مهم‌تری نسبت به ورود هر وسیله دیگری است؛ اما با این کار قاجاریه از حیثیات‌های تاریخی تیره نمی‌شود. هرچند نسل جدید که در مقابل این تضادها و شنیده‌های خانوادگی و کوچبه خیابان بر این ادعا هستند که انقلاب منجر به وضعیت اقتصادی فعلی و به‌عنوان مثال سه هزار برابرشدن قیمت مسکن از اول انقلاب تاکنون شده است، تصمیمی ندارد؛ زیرا در مواجهه با غلظت تاریخ‌سازی داخلی و برنامه‌سازی شبکه‌های خارجی قرار دارد و احساس می‌کند هیچ‌کس به او حقیقت را نمی‌گوید. در ایران میلیاردها پول خرج می‌شود تا در یک فیلم نمایشی بیان شود شاه هیچ بیز و بی‌باش می‌مورد بود و در نهایت هم هیچ‌کس این ادعا را باور نمی‌کند، در خارج نیز با بازسازی برخی تصاویر از پیش از انقلاب و نشان‌دادن خیابان‌ها و میدان‌ها مدعی هستند که شاه بی‌تظیر بود و ایراد از ملت بود. متأسفانه تاریخ‌نویسی در معرض تقابل میان روایت دستوری داخل و روایت یک‌طرفه خارج قرار گرفته است و دستیابی به واقعیت تاریخی کار پیشرفته‌ای شده است. در کشورهای اروپایی جامعه نگران تاریخ‌نویسی و گشتن به دنبال آن نیست؛ زیرا اعتمادی نسبت به تاریخ‌نویسان و دولت وجود دارد که همین امر باعث می‌شود یک شهروند اگر هم بخواهد به دنبال تاریخ برود، به سمت خلاقیت تاریخی و یافتن تاریخ محلی و شفاهی و خانوادگی می‌رود. به جهت بررسی موضوع فوق و مشکلات اقتصادی پیش از انقلاب که در معرض تقابل تاریخ‌نویسی داخل و خارج قرار گرفته است، گفت‌وگویی کرده‌ایم با ابراهیم اصغرزاده،

سخنگوی دانشجویان پیرو خط امام و فعال سیاسی اصلاح‌طلب، محمدحسین بنی‌اسدی، معاون مهندس سازبان در دوران نخست‌وزیری و کامران پورصفر، جامعه‌شناس تاریخ ایران.

## سیاست

# رفاه پیش از انقلاب از واقعیت تا پروپاگاندا

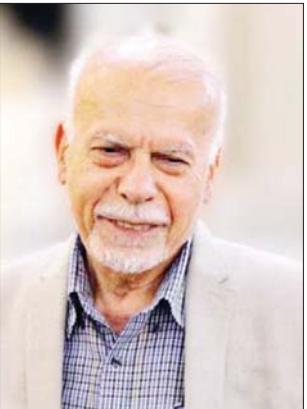
**در گفت وگو با ابراهیم اصغرزاده، محمدحسین بنی‌اسدی و کامران پورصفر**



کامران پورصفر



ابراهیم اصغرزاده



محمدحسین بنی‌اسدی

شاه به ارزش‌های دموکراتیک نیز منجر می‌شد که آن بخش‌های نوگرا و بخش‌هایی که تحصیل کرده بودند، چون به بازی گرفته نمی‌شدند، جای خوبی برای رشد افکار اعتراضی باشند و به همین دلیل هم قسمتی که توسط شاه و غربی‌ها بزرگ‌نمایی می‌شد، اعتراضات طبقه متوسط بود که تحصیل‌کرده بود و دارای امکان رساندن صدای خود به‌سه خارج؛ اما بخش بزرگ توده‌های مردم به صورت مویرگی در جامعه پراکنده بودند که دیده نمی‌شدند و در آمار نیز نمی‌آمدند و به همین دلیل نیز روشنفکران در سال‌های ۵۶ و ۵۷ کاملا از تحولات خیابانی شگفت‌زده شدند و روحانیت یکباره قدرت هم‌ژمونیک خود را نشان داد و توانست جنبش اجتماعی ایران را در اختیار بگیرد و آن را به انقلاب برساند.

اصغرزاده در پایان گفت: نکته کلیدی درباره رفتار مردم و رابطه اقتصادی آنها با تجدد و رشد صنعتی ایران این بود که حالا بخش‌های مهاجر و بخش‌هایی که به محیط شهری پرتاب شده و فقر را تجربه کرده بودند، پیشرفت‌های ظاهری کشور را می‌دیدند اما خود را محروم‌تر از گذشته می‌دیدند و حتی می‌توانستند مالک باشند اما چون امکان خرید ماشین نداشتند، در حاشیه شهر قرار می‌گرفتند و بیشتر تحقیر می‌شدند و نوع نگاه تحقیرشده و اینکه خود را بدتر از موقعیت قبل می‌دیدند، باعث ایجاد یک نوع محرومیت نسبی شد و برخلاف نظر کارشناسان برنامه و بودجه قبل از انقلاب که تصور می‌کردند اگر رونق اقتصاد عدد بیشتری را نشان دهد و ثروت عمومی افزایش پیدا می‌کند، این اتفاق می‌افتد و هر کسی خود را در ماه‌هایی از بدتری یافت و در سال‌های ۵۶ و ۵۷ در نرخ‌های خارج از بندر بودند و تخلیه و بارگیری همواره با تاخیرهای زبان‌بار هزینه‌دار صورت می‌گرفت. البته موضوع یادداشت من اشاره به این جریان فاسد نیست، بلکه گزارش مختصری از برخی صدقه‌فادان‌های دربار پهلوی در ایام اقامت شاه و اطرافیان‌ش در نوشهر به مردمان فقیر و محروم شهر است. در دهه ۴۰ هنگام سفر و اقامت شاه و همراهانش در نوشهر، همواره صد‌ها نفر از اعضای گارد جاویدان با همه تاسیسات و نهادهای ضروری اقامت بالنسبه طولانی در مکانی دور از مرکز و پاکدان اصلی نیز به نوشهر منتقل می‌شدند تا امنیت شاه و همراهان و درباریان را تأمین کنند. یکی از این تاسیسات، آشپزخانه گارد جاویدان بود. به یاد دارم که پیش از این‌ها سفر می‌کردند و در عرض اجرائی فعالیت کرده و طبقه متوسط جامعه ایرانی را نیز زیست‌ه بود، مسئله را به شکل دیگری می‌بیند.

بنی‌اسدی به «فسوق» می‌گوید: «من پیش از انقلاب به عنوان مشاور مدیریت در پروژه‌های مهندسی مختلف کار می‌کردم. آنچه به نظر بنده می‌رسد این است که با افزایش درآمد نفت از سال ۱۹۷۳ به بعد، یعنی پنج سال قبل از انقلاب که درآمد نفت چند برابر شد و صدور نفت ما به شش میلیون بشکه در روز به قیمت ۲۴ دلار رسید، باعث ورود درآمد بسیار زیاد و واردات وسیع بیش از ۷۰ برابر صنایع در زمینه‌های مختلف می‌شد و به این ترتیب صادرات در کشور نمی‌توانست رشد و رقابت کند و پول دلار نفتی باعث یک رفاه نسبی و کاذب و ملموس شد؛ یعنی رفاه بود و کالاها نیز ارزان بودند اما چیزی نبود که ملت با دسترنج خودش به دست بیاورد و نهایت وابستگی به

درآمد نفت را جامعه تجربه می‌کرد و رفاهی هم به‌شود، اما زیر این لایه تجدد یک بخش مهمی از جامعه پنهان بود که از حداقل استانداردهای لازم برخوردار نبود؛ یعنی ما یک کشور صنعتی می‌شدیم، رونق اقتصادی و ارتش قوی نیز داشتیم اما تعادل رفاه ایجاد نمی‌شد؛ یعنی میان طبقات بالا که به حکومت متصل بودند و مردم پایین‌دست یک نوع تعادل برقرار نبود که همه به یک نسبت از رفاه برخوردار باشند. این عدم تعادل در برخورداری از رفاه منشا یک نوع کینه و اعتراض نسبت به وضع موجود شد که بهترین میوه در در اختیار انقلابیون قرار داد که آنها ضمن مخالفت با انقلاب شاه و مردم دربار، اعتراضات عمومی، ناراحتی مردم و مسائل این چنینی را کاتالیزر کننده به سمت دولت و محصول خوبی را در ایام انقلاب از این فرایند چینه‌ند. در مجموع غیر از عدم تعادل و توزیع رفاه بی‌توجهی

روزنه

**وزارت کشور یک منبع آگاه منشأ صدای مهیب را اعلام کردند**

### رع‌دوبرق

● **شرق:** دلیل اصلی صدای انفجار در برخی استان‌های غربی کشور که شنبه‌شب رخ داد، هنوز مشخص نشده؛ اما یک منبع آگاه در نیروهای مسلح، انتساب آن صدا با فعالیت‌های نظامی را تکذیب کرده و گفته دلیل آن رعدوبرق بوده است. این منبع آگاه در گفت‌وگو با تسنیم گفته که صداهای شنیده‌شده ارتباطی با فعالیت‌های نیروهای مسلح و تست سامانه‌های پدافندی ندارد. او همچنین برخی گمانه‌زنی‌ها در فضای مجازی که علت صداهای شنیده‌شده را به انجام عملیات خرابکارانه و حمله خارجی نسبت می‌دادند نیز تکذیب و تأکید کرد منبع اصلی صدای شنیده‌شده وقوع رعدوبرق در منطقه غرب کشور بوده است. این در حالی است که ساعتی بعد از شنیده‌شدن این صدای مهیب، فرماندار شهرستان اسدابآباد امکان این را که چنین صدایی به خاطر رعدوبرق باشد رد کرده بود. سعید کتابی در گفت‌وگو با فارس گفته بود: «ما در حال بررسی موضوع هستیم؛ اما تاکنون (یامداد یکشنبه) گزارش خاصی به دست ما نرسیده است. ابتدا گمان رفت که صدای رعدوبرق با توجه به شرایط جوی است؛ اما این امکان رد شد». او ادامه داد:

«هیچ‌گونه انفجاری در سطح شهرستان نداشتیم، با دستگاه‌های خدمات‌رسان در تماس هستیم و اتفاقی در حوزه گاز، اورژانس، آتش‌نشانی نبوده و شهرستان گزارشی نداشتیم». کتابی با تأکید بر اینکه امکان اینکه صدا از شهری دیگر رسیده باشد یا زلزله باشد هم وجود دارد که در حال پیگیری هستیم، گفته بود: «زلزله‌گذاری هم بررسی شد، ستاد بحران در حال پیگیری است؛ اما هیچ گزارشی دال بر اینکه اتفاق خاصی در شهرستان رخ داده باشد، نرسیده است». اما معاون سیاسی و امنیتی استانداری همدان، پیش‌ازظهر دیروز این احتمال را داده بود که منشأ صدای انفجار شنبه‌شب مربوط به برخی اقدامات آموزشی بوده باشد. مهدی باب‌الجوابی به ایبستا گفت: «در پی شنیده‌شدن صدای مهیب انفجار در یکی از شهرستان‌های استان همدان، همه دستگاه‌ها و نهادهای امنیتی، انتظامی و اطلاعاتی به دستور استاندار بسیج شدند تا منشأ این صدای انفجار بیابند». او افزود: «پیگیری‌های نشان داد در استان همدان انفجاری رخ ن داده و صدای شنیده‌شده مربوط به استان‌های هم‌جوار بوده است. در این راستا استاندار همدان با استانداران استان‌های هم‌جوار تماس گرفته تا اگر انفجاری در این استان‌ها رخ داده و نیاز به کمک همدان است، نیروهای استان وارد عمل شوند که خوشبختانه این استانداران نیز اعلام کردند استان‌های آنها در امنیت کامل به سر می‌برد». باب‌الجوابی عنوان کرد: «احتمال ما این است که این صدا مربوط به برخی از اقدامات آموزشی بوده که احتمال قریب در قیل این موضوع درست است و وزارت کشور در حال پیگیری و رصد بوده تا منطقه آموزشی همدان به سماع و نظر مردم برسد». جالب آنکه عصر روز گذشته معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور این احتمال را داد که صدای ایجادشده ناشی از رعدوبرق باشد. به گزارش تسنیم، مجید میراحمدی، درخصوص شنیده‌شدن صدای مهیب در استان همدان گفت: «با بررسی دستگاه‌های امنیتی و انتظامی مشخص شد صدای شنیده‌شده ناشی از رعدوبرق بوده و حادثه خاصی رخ ن داده است.»

### انتقاد فاضل‌میبدی از سخنان ائمه‌جمعه

● **نواندیش:** حجت‌الاسلام محمدتقی فاضل‌میبدی، استاد حوزه و دانشگاه، درباره اظهارات ائمه‌جمعه گچساران، رفسنجان، مشهد و… درباره دوچرخه‌سواری و اسب‌دوانی زبان گفت: این دوچرخه‌اظهارات از سوی ائمه‌جمعه به معنای انحراف اذهان عمومی از مشکلات اقتصادی و ناتوانی در کنترل وضعیت معیشت مردم است. او افزود: بنده نمی‌دانم درد این امامان جمعه و خطیبان کشور ما چیست؟ چرا می‌خواهند ذهن‌ها را منحرف کنند؟ امروز به نظر می‌رسد مهم‌ترین مسئله کشور، مسئله معیشت مردم و اقتصاد است و این فساد در کشور است که عضو جمیع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم افزود: بنابراین مسئله امروز کشور این موارد است که باید به‌طور بنیادی برای آن چاره‌اندیشی کرد. متأسفانه کار بسیاری، حمله به این و آن است که چرا مسائل درست نشد. وقتی کسی می‌خواهد وارد بحث مسألت اجتماعی شود، باید طرح بنیادی داشته باشد. به‌عنوان مثال اینکه بنده در جایگاه رئیس‌جمهور یا امام‌جمعه امرونهی کنم، درست نیست. او ادامه داد: در کشور، ما امرونهی بسیاری وجود دارد یا حلال و حرام زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه این حرام است یا فلان چیز حلال است؛ اما در واقع آن چیزی که در جامعه ما وجود ندارد یا مردم ضمن آنکه بحق می‌کوشیدند وضع خود را آشکار کنند، در انتظار این بودند که شاه و دربار و کار جاویدان به نوشهر بیایند تا خوراک نسبتی مطبوعی نصیبشان شود.